

بسم الله الرحمن الرحيم

جهان در آستانه‌ی تغییر جهانی

ان شاء الله خلافت راشده بر منهج نبوت امر غالب الهی خواهد بود!

(ترجمه)

اتحاد جماهیر شوروی سابق، که در اواخر دهه‌ی هشتاد قرن گذشته، چهل سال و اندی پیش سقوط کرد، بمعنی سقوط نظام بین‌المللی بود که در آن زمان ابر قدرت به حساب می‌آمد و هم‌چنان به معنای این بود که نظام بین‌المللی نوینی به نفع کشور قدرتمندتر یعنی امریکا پایه‌ریزی شود. از آن زمان تا کنون امریکا برای حفاظت از نظم بین‌المللی نوین سخت تلاش می‌کند و بدیل نظام کمونستی را به عنوان رقیب اسلام قرار داده است. اسلام را خطر آینده‌ای می‌داند که باید از بازگشتش در میدان زندگی بین‌المللی به عنوان فرهنگ، شریعت و حکومت زنده، در قالب یک حکومت واحد، یعنی دولت خلافت پیش‌گیری شود؛ دولتی که قلب‌ها و افکار حاکمان غربی از نام بردن آن می‌لرزد. امریکا مبارزه با اسلام و قانونش را بر علاوه‌ی مبارزه‌اش با چین و روسیه و وحدت کشورهای اروپایی، که برای داشتن وزنی در عرصه‌ی بین‌المللی بگونه‌ی مجموعی در تلاش آن اند، شروع نمود. از همین جهت است که امریکا جنگ جهانی خود را علیه اسلام زیر نام جنگ با تروریسم اعلام نمود؛ اما در این جنگ شکست خورد و در عرصه‌ی فرهنگی مفلس‌تر از قبل گشت؛ حتی توان کمک نظامی را نیز از دست داد؛ چنانچه خروج ذلت‌بارش از افغانستان سپس از عراق و سوریه مظهري از مظاهر شکستی بود که بر آن اعتراف نموده است.

خروج امریکا از سرزمین‌های اسلامی اجباری بود؛ نه اختیاری؛ زیرا در جوش مشغولیت امریکا با جنگ علیه مسلمین، چین از آن استفاده نموده و توانست تا به سرحد رسیدن به یک رقیب جدی برای امریکا در مبارزه‌ی بین‌المللی، در تمام عرصه‌ها نزدیک شود. روسیه نیز گرچه به تنهایی قادر به رقابت با امریکا نیست؛ اما با چین خطر راهبردی جدی را خلق می‌کند.

امریکا در اواخر زمان حاکمیت بوش پسر اول و شروع حاکمیت بوش پسر دوم بر شکستش در برابر اسلام اذعان نمود و ملامتی را در انتشار افراط‌گرایی و تروریسم بدوش رهبران انداخت و به گمان این که سبب تروریسم در منطقه شدند، با این حال هیچ چیزی در جنگ امریکا با اسلام تغییر نکرد. زمانی که او با ما آمد، این شکست را علناً اعلام نمود که باید از مفکوره‌ی تک‌قطبی بودن در حاکمیت جهانی صرف نظر کنیم و خواست رابطه با جهان اسلام را خوب سازد. بنابراین، در ماه‌های اول حاکمیتش از مصر دیدن نموده، در الازهر سخنانی را ایراد نمود و هدفش از ایراد آن‌ها تقویت رابطه‌ی با جهان اسلام بود که در زمان حاکمیت بوش پسر مخدوش شده بود. وی گفت: «وظیفه‌ام در جهان اسلام واضح ساختن این امر است که امریکایی‌ها دشمنان شما نیستند.» اما مسلمان‌ها او و تمام جهان را با انقلاب‌هایی که علیه حاکمان و اربابان غربی شان برپا گردید، غافل گیر ساختند. بنابراین، زمانی که ترامپ آمد، دشمنی غرب با اسلام و مسلمین را علنی نموده و خواستار تحریم دخول مسلمین به ایالات متحده‌ی امریکا شد. وی اعلام نمود که می‌خواهد نیروهایش را از افغانستان، عراق و سوریه به این دلیل که جنگ‌های باز شده‌ی مضر بوده اند، بیرون کند؛

اما خودش نتوانست این امر را اجرا کند تا این که جو بایدن آمد و نیروهایش را به گونه اجباری و ذلت بار بیرون کشید. مسئولین امریکا در مورد شکست جنگ شان در این مناطق سخن گفتند.

با سرکار آمدن بایدن به این نتیجه می‌رسیم که امریکا اجرایی کردن نقشه‌ی جدیدی را برای نظم بین‌المللی جدید که خودش به تنهایی حاکم تک قطب جهان باشد، آغاز نموده است؛ یعنی دولتی که در رأس بوده و رقیبی نداشته باشد. دریافتیم که امریکا صفحاتی از مبارزه را باز می‌کند و صفحاتی را می‌بندد، کشورهای را سقوط می‌دهد، کشورهای دیگری را محاصره نموده و با تعدادی پیمان می‌بندد تا بر مبنای آجدای خویش تغییر ایجاد کند...

بایدن بعد از خروج عملی از مناطق مسلمان‌ها به شعله‌ور نمودن جنگ میان روسیه و اکراین اقدام نمود که هدفش ضعیف کردن دو طرف رقیب او در عرصه‌ی بین‌المللی یعنی کشورهای اتحادیه‌ی اروپا و روسیه هست که بدون مداخله مستقیم امریکا در این جنگ انجام می‌شود. هم‌چنان آشکار گشت که امریکا نقشه‌ی دیگری نیز برای چین در نظر گرفته است تا او را ضعیف نموده و به ماحولش مشغولش سازد، بدون این که خودش بطور مستقیم در این امر دخالت کند. امریکا می‌خواهد همه‌ی کشورهای دنیا را بایکدیگر ضعیف و ناتوان سازد تا خودش بعد از آن رهبر جهان جدید با پروژه‌ی جدید جهانی مارشال باقی بماند. به نظر می‌رسد سیاست تقسیم کشورها و برانگیختن جنگ در میان آن‌ها از نقشه‌های تضعیفی باشد که امریکا به دنبال آنست و شامل تقسیم روسیه، چین و گروه کشورهای اروپایی می‌شود. اینکه کشمکش‌های قومی، مذهبی و گروهی را در میان مسلمان‌ها دامن می‌زند برای این است که اجازه ندهد تا خلافت اسلامی شان را اقامه کنند... این آنچه است که اکنون بر سیاست و مبارزه کشورها سیطره داشته و کشورهای فعال در عرصه بین‌المللی به آن مشغول هستند. مشخص است که نتایج این مبارزه، آینده‌ی مبارزه سیاسی بین‌المللی در کره‌ی خاکی را تا چند نسل رقم خواهد زد.

پس جهان امروز در آستانه تغییر جهانی واقع است. نصیب اسلام و مسلمین در آن چه خواهد بود؟ دوباره به اول سخن برمی‌گردیم و آن این که امریکا وقتی که اسلام را بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی سابق از بیکاری به عنوان دشمن برنگزید، بلکه از این جهت برگزید که می‌دانست اسلام مبدأ، فرهنگ، و قانون زنده برای حاکمیت است که قابل تطبیق در یک حکومت همه شمول یعنی دولت خلافت می‌باشد. برعلاوه می‌دانست که مسلمین شروع به بازگشت به رشد و بیرون آمدن از خمار و کوری هستند که با جنگ فکری و سیاسی غربی دچار حال شان شده بود و شروع به تلاش برای از سرگیری زندگی اسلامی مثل گذشته نمودند. انقلاب‌هایی که بهار عربی نام گرفت، جز جرقه‌ی از این رویکرد نبود. اگر امریکا مجبور شود از جنگ علیه اسلام به سبب بروز نیروی دیگری که در عرصه‌ی بین‌المللی به عنوان رقیب او ظهور کرد، منصرف شود که امریکا نمی‌تواند از آن غافل باشد؛ مگر این که اسلام تنها رقیب مهم در این مبارزه باقی می‌ماند. اسلام چیزهایی در اختیار دارد که غیر آن در اختیار ندارد. اسلام مبدئی در اختیار دارد که هیچ رقیبی ندارد. تمام کشورهای رقیب مبدأ سرمایه‌داری را حمل می‌کنند که سبب تمام بدبختی‌ها و بحران‌های جهان است و می‌خواهند که نظام بین‌المللی جدید، نیز مبنی بر مفاهیم همین مبدأ باشد، و تمام آنچه برای آن امروز مبارزه می‌کنند، مبارزه برای جایگاه و مصلحت است و بس. به عبارت دیگر هرگونه تغییری که بنابر ترانه‌سرایی آن‌ها ایجاد شود، تغییر حقیقی و درمان ریشه‌ای نخواهد بود.

تنها اسلام است که حامل حق، راه حل، و نجات است. همین امر نقطه قوت اسلام در این مبارزه محسوب می شود؛ زیرا نجات بخشی اسلام مسلمین و غیر مسلمین را شامل است.

هر مبدئی را فرض کنیم برای پیروزی نیازمند نیروی فکری و مادی است، پس غرب و کشورهای فعال در عرصه ی بین المللی دارای نیروی مادی هستند؛ اما نیروی فکری درست و مستعد را ندارند. در مقابل اسلام دارای نیروی فکری درست و باصلاحیت است؛ اما نیروی مادی و دولت خلافت را که حامی آن است، مالک نیست.

الله سبحانه و تعالی مسلمانان را امر کرده تا کل زندگی خویش را مطابق امر او تعالی استوار سازند و به عنوان حق الله سبحانه و تعالی برای اقامه ی خلافت، تطبیق شریعت، فتح مناطق و داخل ساختن بندگان در اسلام بکشند. باید طریقی را برگزینند که رسول الله و صحابه آن حضرت انتخاب کرده بودند و در میان مسلمین امتی باشند که: ﴿أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ امتی که بسوی خیر فرامی خواند و امر به معروف و نهی از منکر می کند.﴾ الله سبحانه و تعالی به نصرت کسی که او را نصرت می دهد، وعده سپرده است و یاری رساندن را منحصر به خویشتن کرده است.

اما در مورد امتی که در آیه کریمه تذکر یافته است، حزب التحریر به عنوان همین امت مصداق آیه کریمه قرار گرفته و بر طریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم حرکت می کند. همان کارهای را انجام می دهد که رسول الله برای اقامه ی دولت اسلامی انجام داده اند و مراحل را طی می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم طی کرده است.

این سخن درست است که حزب به تدوین و تبیین احکام فکری شرعی، طریقه ی شرعی و حرکت در مسیر شرعی، بسیار با متانت، صبر و التزام، بدون این که اندازه موی از طریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم تجاوز کرده باشد، به نهایت آن دست یافته است.

حزب در مبارزه فکری و مقابله سیاسی با غرب داخل اقدام شده است و مصالح امت را تبیین کرده، نقشه های غرب کافر استعمارگر را برملا می کند. در این مسیر از رسول الله صلی الله علیه وسلم پیروی می کند، پیروزی اش تا جایی ادامه یافته که نظر عمومی در جهان اسلام بر اسلام سیاسی معطوف شده و خلافت اسلامی امید همه ی امت شده است و حزب را به عنوان حزب خلافت می شناسند. حالت طوری است که برگشت دوباره ی اسلام به عرصه ی زندگی به کابوس کشورهای کافر غربی تبدیل شده که با یکجا کردن نیرنگ و مکرشان می خواهند مانع آن شوند.

از جمله دست آوردهای حزب یکی تقدیم قانون مجبزه برای تطبیق در دولت اسلامی آینده است که در آن ارکان دولت و صلاحیت آنها را تبیین نموده است. هم چنان ایجاد جمع کثیری از جوانان برای حمل دسته جمعی عبایی دعوت قبل از اقامه ی دولت، با تمام مشکلات و سختی های آن است؛ جوانانی که در اعماق دعوت فرورفته و تمام سختی هایش را تحمل می کنند؛ مردانی که شخصیت های شان را بر روی زمین با واقعیت سنگ دل و ظالم بنیان گذاری کردند. با آنکه تکذیب و اذیت شدند، صبر پیشه کردند تا مقابله با مشکلات از آن ها حاملین دعوت و مردان دولت آینده ی خلافت به اذن الهی ساخت.

به مجرد این که حزب برمنهج رسول الله صلی الله علیه وسلم حرکت می کند، شباب حزب را پیش از آمدن دولت خلافت، بصورت کامل برای حکومت کردن آماده ساخته است. از آنچه باعث آرامش و اطمینان خاطر می شود، اینست که حزب تبنیات خویش را در

اداره‌ی کارهای حزبی شبیه تبنیات شرعی برای اداره‌ی حکومت، بعد از برپایی دولت قرار داده است؛ از قبیل منصب امیر در مقابل منصب خلیفه، اعضای دفتر امیر در مقابل وزرای تفویض، معاونین امیر برای رساندن آنچه وارد و یا صادر می‌شود، در مقابل وزرای تنفیذ، ولایات کار و دعوت که معتمدین بر آن‌ها تعیین می‌شود، در مقابل ولایات اداری در دولت اسلامی که بر آن‌ها والی‌ها گمارده می‌شوند و محلیات و نقباء که در مقابل عاملین دولت اسلامی و عاملین آن‌ها قرار دارند.

اما در مورد نصرتی که الله سبحانه و تعالی بر خود لازم گردانیده و فقط از آن خود دانسته و برای پیامبران خویش و مؤمنان در دنیا و در آخرت تخصیص داده است، الله متعال فرموده است:

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ نصرت مؤمنان بر ما حق است﴾ [روم: ۴۷] وقال: ﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ نصرت جز از نزد الله غالب و با حکمت نیست﴾ [أنفال: ۱۰] وقال: ﴿هُوَ الَّذِي أُيِّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ؛ اوست که ترا با نصرتش و با مؤمنان مورد تأیید قرار داد﴾ [أنفال: ۶۲] وقال: ﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ؛ (تا جایی رسید که پیامبران نا امید شدند و گمان بردند که تکذیب شدند، نصرت مان برای شان رسید، کسانی را که خواستیم نجات یافت و عذاب ما از گروه جنایت کار برنمی‌گردد﴾ [یوسف: ۱۱۰] وقال: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛ (ما پیامبران مان و کسانی را در زندگی دنیا و روز آخرت ایمان آورده اند نصرت می‌دهیم﴾ [غافر: ۵۱] وقال: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ (ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر خدا را یاری کنید یاری تان می‌کند و گامهای تان را استوار می‌گرداند﴾ [محمد: ۷]

آیات بسیار دیگری از این قبیل وجود دارند. وقتی ایمان داریم که نصرت فقط از جانب الله سبحانه و تعالی است، این به این معنا است که الله سبحانه و تعالی اسباب آمدن خلافت را آماده می‌سازد و اوضاع بین‌المللی را مناسب آن نموده و دل‌های اهل قدرت از مؤمنان را برای نصرت باز خواهد نمود... این همان چیزی است که برای رسول الله صلی الله علیه و سلم رخ داد و قرآن کریم از آن سخن گفته است. این هشام در مورد کسانی که از مدینه برای مراسم حج حاضر شده بودند، می‌گوید: ابن اسحاق گفته است: «زمانی که الله سبحانه و تعالی اراده نمود تا دینش را اظهار کند و پیامرش را عزت بخشیده و وعده‌اش را برای او متحقق سازد، رسول الله صلی الله علیه و سلم در موسمی که با گروهی از انصار ملاقات کرده بودند، بیرون شدند و خود را برای قبایل عرب عرضه کرد چنانچه در هر موسم این کار را انجام می‌داد؛ در اثناپی که در عقبه (نام جای) بسر می‌بردند، با گروهی از خزرج ملاقات کردند که الله سبحانه و تعالی برای شان اراده خیر داشت.» این همان چیزی بود که با مصعب ابن عمیر در زمان دو بار ملاقات او در دو وقت از یک روز با هریک از اسید بن الحضیر و سعد بن معاذ رضی الله عنهما که رؤسای قوم خویش بودند، رخ داد. این ملاقات‌ها و ملاقات‌های زیاد دیگری همراه با نتیجه انجام شد که دشواری زیادی در پی نداشتند.

هم‌چنین آنچه که ام المؤمنین حضرت عایشه رضی الله عنها در این باب ذکر نموده است، روز بعثت هدیه‌ای بود از جانب پروردگار برای پیامبرش؛ چون رهبران سال‌مند مدینه که معمولاً مخالف تغییر بودند، در آن روز از بین رفتند و در عوض جوانانی را آورد که قناعت دادن شان راحت بود. به عنوان مثال: اسید بن الحضیر که پدرش الحضیر کشته شده و خودش بعد از پدر رهبری قبیله را عهده‌دار شده بود...

قرآن کریم در جاهای متعدد از دخالت ربانی در نصرت مؤمنین سخن گفته و می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾ [حشر: ٢]

ترجمه: او ذاتی است که کافران از اهل کتاب را برای اولین جمع اخراج نمود، در حالی که گمان نمی‌کردید بیرون آورده شوند. آنان فکر می‌کردند قلعه‌های شان از آن‌ها در برابر الله محافظت می‌کند. الله از دری به آن‌ها وارد شد که گمان نمی‌کردند و در دل‌های شان وحشت انداخت، خانه‌های شان را بدستان شان و دستان مؤمنین تخریب می‌کردند؛ پس ای صاحبان خرد پند بگیرید.

حوادث هجرت رسول الله صلی الله علیه وسلم همه بر همین دخالت ربانی دلالت دارند. در مورد این سخن چه می‌گویید که الله سبحانه و تعالی ما را به حرکت بر مسیر رسول الله امر نموده است؛ پس اگر او تعالی را با حرکت در مسیر رسول الله صلی الله علیه وسلم و هر قدر که فشارها بر ما افزایش می‌یابد، نصرت کنیم و از آن بیراهه نرویم نصرت ما را عهده‌دار شده است! او ذاتی است که اسباب نصرت را برای ما آماده می‌سازد. از او سبحانه و تعالی انتظار داریم تا آن طوری که می‌خواهد نصرت ما را اقامه کند! شاید آنچه امریکا برای شعله‌ور نمودن جنگ میان کشورها، که با روسیه و اوکراین آغاز یافته است، از جمله‌ی آمادگی‌ها برای اقامه دولت اسلامی (خلافت) باشد! کلید نصرت فقط در نزد الله سبحانه و تعالی است، نه در دست امریکا و نه در دست غیر امریکا؛ هرگونه که باشد. بر ما لازم است تا بدانچه الله سبحانه و تعالی از ما می‌خواهد، ملتزم باشیم و در عین حال مراقب باشیم که چگونه الله متعال دولت خلافت را برای ما اقامه خواهد کرد... "از تو سؤال می‌کنند این مژده کی است؟ بگو: بزودی خواهد آمد."

امت امروزه در مقابل حقایق ثابتی ایستاده است که نوسان ندارند و انرژی خویش را از آن‌ها می‌گیرد؛ زیرا آن‌ها برگرفته از عقیده‌ی امت می‌باشند. از جمله‌ی این حقایق یکی اینست که این امت، امت موعوده به خلافت راشدین بر منبج نبوت است. این دین بار دیگر حاکم می‌شود و خلافت بنا بر وعده‌ی خالق جل شانه و به بشارت رسولش صلی الله علیه وسلم آمدنی است، ان شاء الله! الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [نور: ٥٥]

ترجمه: الله متعال برای مؤمنان از شما و کسانی که اعمال نیکو انجام داده‌اند، بشارت داده است که ایشان را در زمین خلیفه می‌سازد، چنانچه پیشینیان شان را خلیفه ساخته بود تا دین شان را که مورد رضایت شان است، تمکین نموده و بعد از خوف برای شان امنیت ارزانی کند؛ مرا پرستش کنند و بر من چیزی را شریک نسازند؛ کسی که بعد از آن کفر ورزد، آنان اند که فاسقان هستند.

وقال صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ اللَّهَ زَوْي لِي الْأَرْضِ فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَإِنَّ أُمَّتِي سَيَبْلُغُ مُلْكُهَا مَا زَوْي لِي مِنْهَا وَأُعْطِيَتْ الْكَنْزَيْنِ الْأَحْمَرَ وَالْأَبْيَضَ» (رواه الإمام أحمد)

ترجمه: پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: الله زمین را برایم نمایان ساخت، سپس شرق و غربش را دیدم، حاکمیت امتم تا آن جایی که برایم نمایان شد، می‌رسد، دو گنج سرخ و سفید برایم بخشیده شد.

نصرت از جانب الله متعال است. او حتماً بندگان مؤمن خویش را نصرت می‌دهد؛ اگرچه ناتوان و کم باشند! کفر و کافرین را از بین می‌برد، اگرچه تمام اسباب نیرومندی و قدرت را مالک باشند. مصداق این فرموده‌ی الله است:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛ بدون شک پیامبران ما را و کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و روز رستاخیز یاری می‌رسانیم.﴾ [غافر: ۵۱] و قوله سبحانه: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ می‌خواهیم بر کسانی که در زمین مستمند هستند منت گذاریم و آنان را امامان و میراث بران قرار دهیم.﴾ [قصص: ۵] ﴿وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ؛ برای شان در زمین تمکین دهیم و برای فرعون، هامان و لشکریان شان آنچه را که بیم داده می‌شدند، نشان دهیم.﴾ [قصص: ۶]

ما با بدست گرفتن اسباب اقدام می‌کنیم و امر پروردگار ما را لازم می‌دانیم و اعتماد کامل داریم که نصرت با شروطی که شریعت وضع نموده است، همگام این امت است... بدون شک، الله سبحانه و تعالی از بندگان مؤمن خویش دفاع نموده و دشمنان شان را ذلیل می‌سازد. الله برای هدایت کردن، کمک کردن و یاری رساندن کافی ست. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾ [حج: ۳۸]

ترجمه: بدون شک الله (سبحانه و تعالی) از کسانی که ایمان آورده اند، دفاع می‌کند و الله هیچ خیانت‌پیشه و ناسپاسی را دوست ندارد.

این کشورهای طاغوتی ظالم با نیرو و استبدادی که دارند، در نزد الله متعال از خانه‌ی عنکبوت سست‌تر اند. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

[عنکبوت: ۴۱]

ترجمه: مانند کسانی که غیر از الله صاحبان امر برگزیدند، همانند عنکبوت است که خانه ساخته است. بدون شک سست‌ترین خانه خانه‌ی عنکبوت است.

خانه‌های را که یهود بنا نموده است، بزودی ان‌شاء الله خانه‌های برای مسلمین خواهد شد که بعد از یهود در آن‌ها سکونت گزینند؛ اسلحه و عبادت گاه‌های شان تصرف خواهیم نمود و در راه الله متعال استفاده خواهد شد. الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿وَأَوْرَثْنَاكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّئُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا؛ زمین، خانه‌ها، اموال و زمینی را که هنوز

قدم نگذاشته بودید را برای تان به میراث گذاشتیم و الله (سبحانه و تعالی) بر هر چیز توانمند است. ﴿احزاب: ۲۷﴾، باید در مورد گفته‌ی الله سبحانه و تعالی بیندیشیم: ﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ؛ او ذاتی است که کافران اهل کتاب را از خانه‌های شان در نخستین اقدام اخراج کرد، در حالی که گمان نمی‌کردید که اخراج شوند و می‌پنداشتند که قلعه‌های شان از آن‌ها در برابر الله متعال محافظت می‌کند، الله از جای آن‌ها را مجازات کرد که گمان نمی‌کردند، در دل‌های شان وحشت انداخت؛ خانه‌های شان را بدست‌های خود و دست‌های مؤمنین تخریب می‌کردند؛ پس عبرت بگیرید، ای صاحبان بصیرت! ﴿حشر: ۲﴾

وعن أبي عبد الله خباب بن الأرت -رضي الله عنه- قال: شكونا إلى رسول الله وهو متوسد بردة له في ظل الكعبة وقد لقينا من المشركين شدة، فقلنا ألا تستنصر لنا؟ ألا تدعو الله لنا؟ فقال: «قد كان من قبلكم يؤخذ الرجل فيحفر له في الأرض، فيجعل فيها، ثم يؤتى بالمنشار فيوضع على رأسه فيجعل نصفين، ويمشط بأمشاط الحديد ما دون لحمه وعظمه، ما يصده ذلك عن دينه، والله ليتمنن الله هذا الأمر حتى يسير الراكب من صنعاء إلى حضرموت لا يخاف إلا الله والذئب على غنمه، ولكنكم تستعجلون»

ترجمه: از عبد الله بن ارب رضی الله عنه روایت است که گفت: به رسول الله صلی الله علیه وسلم که در سایه‌ی کعبه تکیه زده بودند، از خشونت مشرکان نسبت به خود مان شکایت کردیم و گفتیم: آیا برای مان طلب یا ری نمی‌کنی و از الله درخواست نمی‌کنی؟ پس فرمود: قبل از شما مردی را می‌گرفتند و در زمین برایش حفره‌ی ایجاد می‌کردند و در آن قرارش می‌دادند و سپس با اره دو نصفش می‌کردند و باشانه‌های آهنی گوشت و استخوانش را جدا می‌کردند؛ این کار او را از دینش باز نمی‌داشت! قسم به الله (و تعالی) این امر را کامل می‌سازد تا این که سواره از صنعاء تا حضرموت حرکت می‌کند و در مسیر جز از الله و گرگ بر گوسفندانش نمی‌هراسد؛ اما شما عجله می‌کنید.

از جمله حقایقی که از اتفاقات بدست می‌آید:

مقید بودن حزب التحریر به احکام شرعی متعلق به تغییر و کار برای اقامه‌ی خلافت نقش بارزی در ساختن و نوشتن تاریخ دارد. لبریز شدن احساسات عامه‌ی مسلمین، علماء و توده‌های شان و این که دست به دعا می‌برند تا این که الله سبحانه و تعالی گشایشی در مشکل بزرگ شان ایجاد کند، همه نشان می‌دهد که پیروزی از آن اسلام است؛ گرچه این احساسات با انجام عمل شرعی از سوی مسلمین همراه نیست؛ اما به عنوان یک نظر عمومی برای مصلحت دعوت حزب تا زمانی که نصرت و گشایش الله سبحانه و تعالی فرارسد، مهم است. بزودی می‌دانند که این اجابت دعا‌های شان بوده است. بر آنان لازم است که از حزب حمایت کنند، بر اساس حق الهی در یاری آن اقدام کنند و بزودی در خواهند یافت که کارما کار امت است.

امت به سرعت بر مسایل اسلامی قابل ملاحظه‌ای جمع می‌شود. چنانچه دیدیم چگونه بر رد نظریه‌ی سوی رسول الله صلی الله علیه وسلم گرد آمدند و بر رد آشتی با یهود هم صدا شدند؛ حتی این موضوع را در بازی فوتبال شاهد بودیم، چه برسد به اقامه‌ی حکم الله سبحانه و تعالی در روی زمین.

این که بارها از نیروی تمسک مسلمین به اسلام شان می‌شنویم، نشان می‌دهد که آینده از آن این دین بوده و اسلام دین زنده در نفوس است. در مقابل آن غرب امروز در حالت ورشکستگی قابل توجهی قرار گرفته و پیش روی خود گزینه‌ای جز دعوت به همجنس‌گرایی و جداسازی خانواده، که مورد نفرت مسلمین و غیر مسلمین است، نمی‌یابد. جنگ‌های ویرانگر را حتی در میان ملت‌های خود برای مبارزه‌ی مصلحتی دامن می‌زند.

ما با قلب آرام می‌گوییم که خلافت راشده مسوده فرهنگی جدیدی خواهد بود و این مسوده باثبات بسوی هدف خویش به عنوان مصداق بشارت رسول گرامی مان پیش می‌رود: «**ثُمَّ تَكُونُ خِلاَفَةُ عَلِيٍّ مِنْهَاجَ النَّبِوَةِ**» پس قضاوت بر این امر از زاویه شرعی و واقعیت نشان می‌دهد که خلافت به اذن الهی دم دروازه‌هاست و سرزمین‌ها، زمین‌ها و اموال کفار غنیمت برای مسلمین خواهد گشت تا با آن‌ها برای جنگ با دشمنان شان توانمند شوند؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«**إِذَا هَلَكَ قَيْصَرٌ فَلَا قَيْصَرَ بَعْدَهُ، وَإِذَا هَلَكَ كِسْرَى فَلَا كِسْرَى بَعْدَهُ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَنْفَقَنَّ كُنُوزُهُمَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ**»

(متفق علیه)

ترجمه: زمانی که قیصر به هلاکت رسید، بعدش قیصری نیست و زمانی که کسری به هلاکت رسید، بعدش کسری نیست. سوگند به ذاتی که نفسم در دست اوست، گنج‌های قیصر و کسری را در راه الله انفاق خواهید نمود.

ای مسلمانان! کسی که از ما می‌خواهد بهترین عمل را انجام دهد، باید در خدمت دعوت به سوی دولت خلافت اسلامی باشد! باید جز اوقاتی که برای گذراندن زندگی مهم هستند، باقی وقت خویش را صرف دعوت کند و هیچ چیز دیگری او را از دعوت مشغول نسازد! بدون شک، دولت خلافت اسلامی انشاء الله آمدنی است و دامنه‌ی کار فراخ هست، هرکس باید به اندازه توانش با آن تعامل کند.

ای مسلمانان! دولت خلافت ان شاء الله بزودی برپا می‌شود و باید خود را برای اوضاع بعد برپایی خلافت آماده سازیم! از الله سبحانه و تعالی می‌خواهیم که سزاوارتر به آن بوده و قبل از برپایی، در اثنای آن و بعد از قیام خلافت از اهل آن باشیم.

﴿**وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (4) بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ**﴾ [روم: 4-5]

ترجمه: درین روز است که مؤمنین به نصرت الله (سبحانه و تعالی) خوشحال می‌شوند و الله آن کس را که بخواهد یاری می‌رساند و او غالب و مهربان است.

ای بار الها، ما را از راست کاران قرار ده و فتح مبین را نصیب مان بگردان و ما را بار رسول گرامی خود در جنات نعیم محشور بگردان! یارب!

برگرفته از 438-439-440 مجله الوعی

رمضان 1444

مترجم: حبیب اسلمی.